



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۰۹

داکتر مطهر

پته خزانہ و یاوه گویی سیاه سنگ

چند روز قبل یکی از دوستانم مرا به وبگاه "جاودان نوای آزاد" آگاه ساخت که دران مضمونی تحت عنوان "نگاهی به پته خزانہ از چند روزنه" بقلم صبور سیاسنگ نشر گردیده. سیاسنگ مضمون را با یاوه گویی طولانی آغاز نموده و خواسته تا مرحوم علامه عبدالحی حبیبی، مدون و مصحح پته خزانہ، را یک فرد بی اعتبار معرفی نماید. باید یاد آوری کنم که علامه حبیبی آن شخصیت علمی جامعه افغانی بود که نه تنها در آسیا بلکه در بسا جوامع علمی و ادبی اروپا و امریکا هم شناخته شده است. هارون خپل در کتاب آفریده های مهجور علامه حبیبی مینگارد. "علامه حبیبی بزرگ مرد برانزده میدان تاریخ و ادب و محقق توانا و پر مغز عصر ما بود که آثار قیمتی و پربهای او ستونهای نیرومند تاریخ و فرهنگ سرزمین باستانی ما را تشکیل میدهد." درینجا باید خاطر نشان ساخت که طعنه زنی و توهین سیاسنگ به شخصیت برجسته علامه حبیبی هیچگاه رخنه ای وارد کرده نمی تواند. نویسنده در مضمون خویش موضوعات کهن نقادان پته خزانہ را دوباره تازه ساخته که از آن جمله سه موضوع درینجا قابل توجه است:

۱- در مورد استعمال حرف (خ) پشتو سیاسنگ شکاکي قلندر مومند را یاد آوری نموده و گفته است که نوشتن حرف (خ) با همزه بر سر آن ایجاد محمد گل مومند در حدود ۱۹۳۶ میلادی است که بعداً در تمام پشتونخوا رواج یافت. سیاسنگ اضافه مینماید این حرف نود ساله چگونه توانست بار بار در شعر یکهزار و سه صد ساله پیش رونما گردد؟ درینجا باید من تشریح بدهم که نوشتن (خ) به شکل فعلی اش به محمد گل مومند تعلق ندارد و سالها قبل از پیدایش وی این طرز نوشتن (خ) مورد استعمال بوده است. در کتاب "نصاب افغانی" که به قلم محمد اسماعیل بسال ۱۸۶۶ میلادی نوشته شده شکل (خ) مانند شکل مروجہ امروزی نوشته شده. این کتاب تقریباً سی سال قبل از تولد محمد گل مومند نوشته شده است. درین سلسله منشی کریم بخش کتابی را بسال ۱۸۸۹م برای اردو زبانان تالیف نموده تا آنها پشتو بیاموزند. در باب اول در اشکال حروف و رسم الخط نویسنده کتاب حروف خاص پشتو را تشریح مینماید و در حاشیه طرز نوشتن این حروف را در کلمات آورده است. در مورد (خ) وی مینویسد:

پر سر (ح) عربی همزه گذاشته میشود و بشکل (خ) می نویسد (خمونر، خای)

هاکذا ادعای قلندر مومند و مرید وی، سیاسنگ، کاملاً غلط است و اینطور معلوم میشود که درین مورد این شکاکین کستاخ پته خزانہ به تاریخ خط نویسی لغات مخصوص پشتو توجه نکرده اند و یا اینکه این دو فرد بسیار کم معلومات و فاقد اندوخته علمی میباشدند.

بر علاوه سیاسنگ ادعا مینماید که چطور "دکمه صد سال در کاج هزار ساله" آمده یعنی در شعر حماسی امیر کرور استعمال شده. نسخه دوم پته خزانہ در شهر کوپته بلوچستان بسال ۱۸۸۶ میلادی کتابت شده و دران (خ) با همزه نوشته شده. اینکه بیش از هزار سال صوت (خ) به کدام شکل و به کدام رسم الخط نوشته شده به کسی معلوم نیست و در روایت از یک نسل به نسل دیگر این شعر چنان تحریر گردیده. ارتباط دادن شکل کنونی (خ) به آن زمان کار بیهوده است و بس.

۲- در شروع نوشتن کتاب، سیاسنگ به گفتار کاظم یزدانی رجوع مینماید که وی پته خزانہ را در زیر ذره بین بررسی قراد داده و به گفتار محمد هوتک مؤلف پته خزانہ اشاره مینماید: "چون به تالیف این کتاب شروع کردم روز جمعه بود، ۱۶ جمادی الثانی سنه ۱۱۴۱ هجری قمری." یزدانی مینگارد قرار تقویم تطبیقی سال هجری و میلادی ۱۶ جمادی الثانی سنه ۱۱۴۱ دوشنبه میباشد نه جمعه. چنین اشتباه هر گز نمیتوان از طرف مؤلف واقعی صورت گیرد و به این اساس کتاب را جعلی میشمارد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در جواب باید گفت که در مضمون تحت عنوان "د پتی خزانی په لاس کنبلی نسخه کی د خینو کلونو تصحیح" علامه حبیبی مینگارده که: "دا خو یوه بنکاره غلطی ده، دلته زما یقین دا دی چې په کتابت کی د یو عدد زیاتی سوی دی، ځکه چی د دغی میاشتی لومړی جمعه د جمادی الثانی شیرمه ده، کاتب د (۱) هندسی عدد په زیاتولو ۱۶ کړی ده... دا ځما حدس به ځکه سم وی چی د کتاب په پای کی یی د ختم نیټه د جمعی ۲۴ د شوال سنه ۱۱۴۲ هجری قمری کنبلی ده (ص ۱۱۱) او که مور دغه تطبیقی تقویم ته وگورو نو په دغه کال د شوال لومړی ورځ د شنبی او څلیروشتمه یی جمعه ده... چی دغه تاریخ بیا صحیح را نقل سوی دی."

ترجمه: "این یک غلطی آشکارا است. من یقین دارم که در کتابت کتاب یک عدد اضافه گردیده چون جمعه اول جمادی الثانی آن سال روز ششم است. کاتب عدد (۱) هندسی را علاوه نموده و آنرا ۱۶ نوشته... این حدث من از خاطر صحیح خواهد بود چون در آخر کتاب تاریخ ختم آن روز جمعه ۲۴ شوال سنه ۱۱۴۲ هجری قمری نوشته شده (ص ۱۱۱). اگر ما به تقویم تطبیقی بنگریم در آن سال روز اول شوال شنبه است و بیست و چهارم اش روز جمعه میباشد... که این تاریخ بصورت صحیح نقل گردیده است."

اینگونه اغلاط و اشتباهات در کتب قدیم که از یک نسخه به نسخه دیگری خطاطی می شد فراوان اند و این معنی آن را نمیدهد که تمام کتاب مورد اعتبار نیست. این گونه نتیجه گیری کار یک فرد آگاه و عالم نیست.

۳- در مورد استعمال بعضی کلمات در پته خزانه که از استعمال افتاده اند مانند دبن (دشمن)، غورن (آگاه)، نیز (سیلاب) و برمل (ظهر) و غیره علامه حبیبی در پاورقهای کتاب مینویسد که این کلمات اکنون از استفاده افتیده اند. یزدانی مینگارده: "واژه گان برمل (ظهر)، ترم (شام)، لرم (عصر)... نیز در قرون گذشته در پشتو رایج بودند، بعدها بدون هیچ دلیل... از میان رفته اند... ایا چنین چیزی از نظر زبانشناسی، سیر تکامل زبان، تاریخ، جامعه شناسی و قانون طبیعت امکان پذیر است؟"

این "نره بین" تکامل یک زبان را اینطور وانمود مینماید که این پدیده اختراع علامه حبیبی است. درینجا توجه یزدانی را به این نقطه مهم واقف میگردانیم که زبانها همیشه در حالت تحول و ارتقا بوده است. آمدن تغییرات در زبانها یک پدیده کاملاً طبیعی میباشد. نه تنها واژه ها از بین میروند و از استفاده می افتند بلکه زبان های کامل در طول تاریخ از بین رفته است. زبانهای مثل مادی، پهلوی، اخادی، اوستا، سغدی، خوارزمی و باختری که اینها چند مثالی از زبانها است که در لابلای تاریخ نابود شده اند. اگر به زبان فارسی نظری بیاندازیم میبینیم که واژه های ترامون (قطره)، مون (اندازه)، مهاد (هم)، نهش (وضع) و هموگ (معادل) به اثر تاثیر زبان عربی به مرور زمان از استفاده افتیده اند. به همین شکل زبان انگلیسی، که یک زبان بین المللی در سر تا سر جهان شناخته شده، بسا واژه های قدیم آن از بین رفته است بطور مثال حروف bedward (رفتن به سوی بستر)، brabble (بحث کردن بر مسایل ناچیز)، crapulous (بیمار شدن به خاطر خوردن غذا زیاد)، jargogle (مخشوش بودن)، snotter (هشیار) و غیره از استعمال افتاده اند. اینگونه تحول در زبانها کدام پدیده غیر طبیعی نبوده و نه کدام مغایرت زبانشناسی در آن پدیدار میباشد.

امدی به اصل مطلب جناب یزدانی که با طمطراق فراوان می نویسد: "چطور ممکن است پشتونهای قدیم بدوی و چادر نشین که حکومت و سلطنت نداشتند... واژه های مخصوص داشتند." این کلمات یزدانی و شاگرد وی، سیاسنگ، اصل مطلب یعنی شکاک و کم معلوماتی آنها را در مورد پته خزانه آشکار می سازد. حقیقت اینست که پشتونها از زمان بسیار قدیم فرهنگ، زبان و ادب داشتند. نگاهی بتاریخ وانمود میسازد که دودمان سوری در غور بیش از یک قرن حاکم بودند، لویکان غزنه، دودمان لودی، هوتکیان و ابدالیان شاهان برجسته پشتونخوا بودند و سلطنت های باشکوه داشتند. اینگونه ادعا که پشتونها حکومت و سلطنت نداشتند، یک قرینه جاهلانه و غیر مسلکی است و نشانده بی شعوری و گستاخی به مقابل یک قوم و ملت میباشد.

باز گستاخان ادب بگذاشتند

چون گدایان زله ها برداشتند

(مولانا جلال الدین بلخی)

در اینجا کلمه از بین رفته انگلیسی cockalorum (یعنی فرد کوچک و بی اهمیت که خود را بسیار بزرگ جلوه میدهد) بیاد آمد که در مورد نوشته و روش سیاسنگ کاملاً صدق مینماید.

یاداشت: خوانندگان میتوانند لغات نادر و طرز استعمال آن را در پاورقی ها و تعلیقات کتاب پته خزانه طبع دوم ۱۳۳۹ هجری شمسی، چاپ ریاست التألیف وزارت معارف بخوانند. نسخه اصل پته خزانه و طبع دوم را در وبگاه alamahabibi.net و patakhazana.com یافته میتوانند.